



سوره مبارکه آل عمران

جلسه ششم: ۹۳/۱۲/۱۹

- در این سوره راجع به محکمت و تشابهات سخن به میان آمد. اسماء حسنی در این سوره مطرح شده است که حکم محکم‌ترین محکمت را دارند.

- در آیات قبلی بیان شد که جریان «تسلیم» محکم دین خداست و استکبار و کفر، مهم‌ترین شاخصه و جریان مقابل این محکم است.
- درباره «محکمت محبت در عالم هستی» نیز در جلسه قبل سخن به میان آمد. اگر کسی می‌خواهد محبتش که بسیار امر متشابهی است به امر محکمی ختم شود، محکمش این است که «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ/ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ». یعنی اگر کسی می‌خواهد عقربه سینوسی محبتش را به ثبات برساند راهش این است که باید پیامبر گرامی اسلام (ص) را تبعیت کند تا محکم حقیقی خدا و رسول (ص) در درون دلش فراگیر و تثبیت شود.

- از آیه ۳۳ خدا بر جریان با شکوه انبیاء الهی (ع) دست می‌گذارد.

- حضرت علامه آیات ۳۳ و ۳۴ را یک دسته در نظر گرفته‌اند:

آیات ۳۳ و ۳۴:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (۳۳)

همانا خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برگزید.

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۳۴)

فرزندی که برخی از نسل دیگری، و خدا شنوای داناست.

- آیه ۳۳: می‌خواهیم از زاویه دیگری که در آیه ۳۳ آمده است به انبیاء (ع) نگاه کنیم. دانستن این زاویه دید در مورد انبیاء الهی (ع) خصوصاً در فضای سوره مبارکه آل عمران و در زندگی بسیار مهم است.

- خداوند از بین تمام جهانیان عده‌ای را اصطفی کرد به عنوان مثال حضرت آدم (ع) و حضرت ابراهیم (ع) و ... را برگزید. خدا در بین جهانیان بعضی از افراد و گروهی را مصطفی کرد و برگزید. اینها مُصْطَفًّاً و خاص شدند. (بین همه نسل‌ها، نسل حضرت ابراهیم (ع) و حضرت عمران شاخص است.)

- البته این «بعضها من بعض» از کره دیگری نیامده‌اند و از بین همین آدم‌هایی که در کره زمین زندگی می‌کردند انتخاب کردیم.

- «مُصْطَفًّاً»: نوعی برگزیدن را گویند که شدت خلوص و صفای انتخاب شدن در آن وجود دارد. به هر انتخاب کردنی، اصطفی نمی‌گویند بلکه یک برجستگی ذاتی در «انتخاب شده» وجود دارد.

- انگار در این آیات دوربین خدا از بالای عالم هستی پایین می‌آید که جمعیت زیادی در این عالم هستند و از بین این جمعیت، عده‌ای روشن هستند و انتخاب شده‌اند و سپس از بین این عده، وارد داستان یکی از آنها که حضرت عمران (ع) است، می‌شود.

- حضرت علامه آیات ۳۵ تا ۴۱ را یک دسته در نظر گرفته‌اند:

آیات ۳۵ تا ۴۱:

إِذْ قَالَتْ ائْرَاتُ عِمْرَانَ رَبِّ اِئْنِ نَذْرَتُ لَكَ مَا فِى بَطْنِى مُحَرَّرًا فَقَبَّلْ مِنِّى اِئْنِكَ اَنْتَ السَّمِىْعُ الْعَلِىْمُ (۳۵)

آن‌گاه که همسر عمران گفت: پروردگارا! آنچه در شکم دارم نذر تو کردم، آزاد برای [خدمت خانه] تو، پس از من بپذیر که تویی شنوای دانا.

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِئْنِ وَضَعْتُهَا اِئْنِى وَ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَ لَيْسَ الذَّكْرُ كَالْاُنْثَى وَ اِئْنِى سَمِّئْتُهَا مَرْيَمَ وَ اِئْنِى اُعِيْذُهَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِىْمِ (۳۶)

پس چون فرزند را بزاد، [با حسرت] گفت: پروردگارا! من آن را دختر زاییدم- و خدا بهتر می‌داند که او چه زاده و پسر همچون دختر نیست- و من او را مریم نامیدم و او و خاندانش را از شر شیطان مطرود به تو می‌سپارم.

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (٣٧)

پس پروردگارش مریم را به نیکی پذیرا شد و او را نیکو بار آورد و زکریا را سرپرست وی قرار داد. هر بار که زکریا در محراب بر او وارد می‌شد نزد او رزق و روزی خاصی می‌یافت، [یک روز] گفت: ای مریم! این روزی از کجا برای تو می‌رسد؟ پاسخ داد: از سوی خداست، یقیناً خدا هر کس را بخواهد، رزق بی حساب می‌دهد.

هَذَاكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (٣٨)

این جا بود که زکریا پروردگارش را بخواند و عرضه داشت: بارالها! از جانب خود فرزندی پاک عطایم کن که تو شنوای دعایی.

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (٣٩)

پس در حالی که در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به یحیی نوید می‌دهد که تصدیق کننده‌ی کلمه خدا (عیسی) است و بزرگوار و پارسا و پیامبری از صالحان است.

قَالَ رَبِّ أُنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (٤٠)

گفت: پروردگارا! چگونه مرا فرزندی خواهد بود در حالی که پیر شده‌ام و همسر نامزاست؟ [فرشته] گفت: این چنین [است که] خدا هر چه خواهد می‌کند.

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَحْمَةً أَوْ إِذْكَرُ رَبُّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (٤١)

گفت: خدایا! برای من نشانه‌ای بگذار. فرمود: نشانه تو این است که سه روز با مردم جز به اشاره سخن نتوانی گفت و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامداد او را تسبیح گوی.

- آیه ۳۵: ظاهراً نبی با اسم «عمران» متعدد وجود داشته است. شاید منظور از آل عمران که در آیات قبل آمده، همین عمران است و یا از نوادگان عمران باشد. این عمران که درباره آن سخن می‌گوید به لحاظ تاریخی نمی‌تواند جد حضرت موسی (ع) باشد.

- ماجرا در این آیه در مورد همسر حضرت عمران (ع) است که خدا او را این‌گونه توصیف می‌کند: «او کسی است که آنچه که در شکم دارد، نذر خدا می‌کند و او را در راه خدا آزاد می‌کند و به خدا می‌گوید: «من مالک او نیستم و خدا صاحب اوست و خدایا چون من کنیز تو هستم هرچه تو بگویی را گوش می‌دهم».

- خدایا از من این نذر را قبول کن. تو می‌شنوی و می‌بینی. تو نذر مرا شنیدی و بهتر از من بر تیتیم واقفی و با وجود همه نقص‌هایم این نذر را از من بپذیر.

- آیه ۳۶: این خانم وقتی وضع حمل کرد بچه دختر از آب درآمد. مادر فرزند نمی‌دانست نذرش را چگونه باید ادا کند. خدا بهتر می‌داند هر کسی چگونه و چه چیزی وضع حمل می‌کند. او هم فرزندش را به خدا سپرده بود.

- به هر حال نذر برای دختر با پسر، متفاوت است. اگر خدا نذری را قبول کند خودش هم توفیق تحققش را ایجاد می‌کند.

- او را «مریم» نام نهادم و در عوذ و پناه خدا قرار دادم و ذریه‌اش را دور از شیطان رجیم، تا شیطان نتواند به او و ذریه‌اش دست درازی کند.

- مادر حضرت مریم (س) به نوعی فرزندش را نذر خدا کرد و خدا هم آن نذر را به بهترین شکل از او پذیرفت و ثمره‌اش این شد که خدا خودش تربیت حضرت مریم (س) را به عهده گرفت و کفالت او را به یکی از انبیاء خودش (حضرت زکریا) سپرد. از بزرگی حضرت زکریا (ع) هرچه بگوئیم، کم گفته‌ایم.

- پذیرش خدا، به اندازه عمق نیت نذرکننده است.

- نکته مهم: «نذر کردن فرزند و برداشتن مالکیت از روی فرزند» یعنی تا آخر عمر فرزندان هیچ چیزی را به خاطر دل خود به کودک نگوئیم.

- رشحات این نوع تربیت را در مادران شهدای انقلاب اسلامی می‌توان مشاهده کرد. آنها فرزندان رشید خود را که سال‌ها برایشان زحمت کشیده بودند و تازه می‌خواستند ثمره وجودشان را بچشند در راه اسلام دادند و مثل کوه ایستادند و نه تنها افسوس نمی‌خورند بلکه می‌گفتند: «ای کاش فرزند بیشتری داشتیم و آنها را هم در راه اسلام می‌دادیم».

- حرکت مادر حضرت مریم (س) قدرت معنوی یک مادر را نشان می‌دهد که با قدرت تمام، به نسل بعدی خودش هم منتقل کرد.
- نکته ۱: تعدد وجود مقدس اهل بیت (ع)، ایجاد کننده مسیرها و پله‌های متعدد برای رسیدن به مقصد واحد است. یک حقیقت واحد به نام «توحید» در پشت همه این حقایق خوابیده است و ما از دریچه‌های مختلف (یعنی از وجود حضرت صدیقه طاهره (س) گرفته تا آخرین حجت) در واقع مسیرهای متعدد برای رسیدن را پیدا می‌کنیم. البته درستش این است که انسان باید به تمامی اهل بیت (ع) متوسل شود تا بتواند این حقیقت را در وجوه مختلف رؤیت کند تا به امام زمان (عج) برسد که ایشان جامع همه ولایت‌هاست. جامع همه ولایت‌ها بودن یعنی تمام صفاتی را که خدا در تک‌تک اهل بیت (ع) جلوه داده تا ما از آن دریچه به آن معنویت برسیم، جامع همه آنها در وجود حضرت حجت (عج) است. توجه داشته باشیم منظور جلوه‌های متفاوت است نه رتبه در ولایت. ضمناً باید توجه داشت که اهل بیت (ع) خودشان:

✓ وجود حضرت امیرالمؤمنین (ع) را به استناد شرافت پدری از بقیه متمایز می‌کنند،

✓ وجود حضرت صدیقه طاهره (س) را به استناد شرافت مادری از بقیه متمایز می‌کنند،

✓ وجود حضرت رسول (ص) را به شرافت نبوت از بقیه متمایز می‌کنند،

✓ و وجود حضرت حجت (عج) را به شرافت اینکه پایان دهنده این مسیر حق و نقطه انتهایی ماجرا هستند را از بقیه متمایز می‌کنند.

- نکته ۲: همه حقایق از منظر دفع کردن آسیب‌هایشان را «استعاذه» گویند. یعنی رسیدن به همه کمالات از منظر نواقصی که در این مسیر کنار گذاشته می‌شوند.

- آیه ۳۷: چنین مادری، فرزندی مانند حضرت مریم (س) نصیبش می‌شود که هرگاه حضرت زکریا (ع) پیش او می‌رفتند، رزقی از جانب خدا نزدش می‌یافتند.

- نکته: اگر سیستمی «يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» نبود باید بر مُصْطَفَا بودن آن شک کرد.

- آیه ۳۸: حضرت زکریا (ع) هم ذریه‌ای طیبه مانند حضرت مریم (س) از خدا خواستند.

- آیه ۳۹: نتیجه دعای حضرت زکریا (ع) این بود که خدا حضرت یحیی (ع) را که تصدیق کننده کلمه خدا بود به او عطا کرد.

- وقتی به چیزی «کلمه» گفته می‌شود یعنی اینکه جاری شدن حق را می‌توان در آن مشاهده کرد.

- «تصدیق کننده کلمه» یعنی جاری بودن حق در پدیده‌ها را مشاهده کرده و بر اساس آن زندگی می‌کند. به عبارت دیگر با هر پدیده‌ای بر اساس حق و محکمش زندگی می‌کند. مثلاً دارو می‌خورد اما با شافی کار دارد و آب می‌خورد اما با ساقی کار دارد و آب می‌خورد چون خدا گفته، هنگام تشنگی آب بخورید لذا از آب، سیراب کردن را انتظار ندارد و جایگاهی برای آب در سیراب کردن قائل نیست اما چون ساقی گفته است: «آب بخور»، او ادب دارد و آب می‌خورد.

- او با خدایی که «يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» است زندگی می‌کند یعنی رزقش بی حساب است. او با خدایی که محدود در اسباب نیست زندگی می‌کند، نه خدایی که در چنبره اسباب است، لذا به دلیل دیگری از اسباب استفاده می‌کند اما ما به این دلیل استفاده می‌کنیم چون احساس می‌کنیم خدا بدون اسباب نمی‌تواند.

- الهی بودن کار زمانی مشخص می‌شود که کار «فرا اسبابی» می‌شود.

- آیه ۴۰: ما آنقدر از کرامات اهل بیت (ع) شنیدیم که دیدن و شنیدن کرامت‌های آنها برای ما عادی شده است. باید بترسیم از زمانی که «كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» برای ما عادی شود.

- باید با خدایی زندگی کنیم که اگر دور و اطرافمان اتفاقات عجیب و غریب افتاد، ابتدا به خدا گمان خوب ببریم و آنگاه به دیگران گمان بد. مثلاً اگر دیدیم دختری بدون همسر بچه‌دار شده است ابتدا بگوییم: «خدا می‌تواند»، نه اینکه از ابتدا طهارت فرد را زیر سؤال ببریم. اینکه انسان در ابتدا به بقیه گمان بد می‌برد سپس به خدا گمان خوب، شرک است. یعنی در نظر ما احتمال بدکار بودن دیگران بیشتر از احتمال قدرت خداست.

- خدا هرچه را بخواهد می‌تواند به فعلیت برساند. دست خدا در انجام کارها بسته نیست.

- توجه مهم: یادمان نرود که خدا داستان حضرت مریم (س) را در ادامه اصطفا شدن عده‌ای در عالم مطرح کرده است که «چگونه می‌شود که عده‌ای در عالم اصطفا می‌شوند؟»

- انشاءالله تا پایان جلسه امروز به دو سؤال زیر پاسخ خواهیم داد:

۱- چگونه می‌شود که عده‌ای در عالم اصطفا می‌شوند؟

۲- دانستن اینکه عده‌ای در عالم اصطفا شده‌اند چه اهمیتی برای ما دارد؟

زنگ دوم:

- قبل از شنیدن آیات مربوط به حضرت مریم (س) توجه به یک نکته مهم است: وجود مقدس حضرت مریم (س) تقریباً همان جایگاهی را دارد که وجود حضرت زهرا (س) دارد. به عبارتی جایگاه حضرت مریم (س) در بین انبیاء (ع) مانند جایگاه حضرت زهرا (س) در بین ائمه است.

- جایگاه حضرت مریم (س) در عالم بسیار بالاست و عبارت «خیر النساء» درباره حضرت مریم (س) نیز به کار رفته است.

- لذا آنچه در این آیات درباره حضرت مریم آمده است به نحو بالاتر و بیشتری درباره حضرت صدیقه طاهره (س) نیز صادق است.

- این آیات جایی است که می‌توان وجود مقدس حضرت زهرا (س) را به روایت قرآن در قالب وجود مقدس حضرت مریم شناخت.

- جایگاه حضرت مریم (س) در عالم بسیار ویژه است و متأسفانه مسلمانانی ما در دین اسلام چنان جایگاهی برای حضرت رسول (ص) و ائمه (ع) قائل است که برای بقیه انبیاء (ع) قائل نیست و متأسفانه همانقدر که رسول خدا (ص) و ائمه (ع) برای ما عظیم و بزرگ هستند، انبیاء (ع) برای ما عظیم نیستند. در حالی که در آیه آخر سوره، مبارکه بقره توضیح داده شد که اگر پای انبیاء را از مسیر سیر و سلوک قطع کنیم، هیچ‌کس به ائمه (ع) نخواهد رسید. اینکه ما وجوه مختلف انبیاء (ع) را نمی‌شناسیم و نسبت به آنان ایمان نداریم، نشان می‌دهد که هنوز وجوه بسیاری از ائمه در وجود ما خاموش است.

- همین مسأله درباره حضرت مریم (س) و حضرت زهرا (س) نیز وجود دارد یعنی هرکس حضرت مریم (س) را آن‌گونه که قرآن معرفی کرده است نمی‌شناسد، قطعاً بداند که وجود مقدس حضرت زهرا (س) را نیز نمی‌شناسد.

- عبارت‌هایی که درباره حضرت مریم (س) در قرآن آمده است بسیار خاص است به گونه‌ای که درباره انبیاء دیگر (ع) نیامده است.

- همان‌طور که حضرت زهرا (س) حجت است برای اهل بیت (ع)، عبارت‌هایی که برای حضرت مریم (س) آمده است نیز عبارت‌های «حجت» است، ایشان حجت برای انبیاء (ع) هستند.

- آیه ۳۷: * ویژگی‌های حضرت مریم (سلام الله) در این آیات:

۱- تربیت او را خدا به عهده گرفت. (آیه ۳۷)

۲- او کسی است که کفالتش را یکی از انبیاء (ع) به عهده گرفته است. خود او هم از اولیاء خداست و مادرش هم از افراد

مستجاب الدعوه است. (آیه ۳۷)

۳- ارتباط دائمی با ملکوت دارند و از ملکوت رزق می‌گیرند. (آیه ۳۷)

۴- شأن ایشان چنان بالا است که «من عندالله بودن رزق» برایش بدیهی و قابل ادراک است. (آیه ۳۷)

۵- ویژگی‌های حضرت مریم (س) با قاعدهٔ رزق بی حساب خدا، مرتبط است. (آیه ۳۷)

۶- سیستم ارتباط ایشان با ملکوت فرامحاسبه‌ای و فرااسبایی است. (آیه ۳۷)

۷- اشتباه نیست اگر بگوییم که حضرت مریم (س) برای حضرت زکریا (ع)، بینه شد و از بینهٔ حضرت مریم (س) برای دعای خودشان استفاده کردند. (آیه ۳۸)

۸- بنا نیست دیدگاه مقایسه‌ای بین حضرت مریم (س) و حضرت زکریا (ع) انجام شود چون ما در جایگاهی نیستیم که بخواهیم این مقایسه را انجام دهیم، اما در این آیه می‌گوید: حضرت زکریا (ع) با ملائکه سخن می‌گفتند، اما برای حضرت مریم (س) جناب جبرئیل نازل شدند که این ملک برای کمتر کسی از انبیاء (ع) نازل می‌شدند. این ملک بر حضرت زهرا (س) نیز نازل می‌شدند. (آیه ۳۸)

- جبرئیل بر حضرت زهرا (س) نازل شده و وحی را می‌گفتند و ایشان بر حضرت علی (ع) املاء می‌کردند یعنی مهبط وحی جبرئیل، حضرت زهرا (س) بودند.

- نکته مهم: گمشدهٔ جامعهٔ ما این است که برای هر مشکل و سئوالی دنبال قرآن نمی‌رود و قرآن را متدبرانه نمی‌خواند.

- آیه ۴۱: ماجرای حضرت زکریا (ع) به اینجا ختم شد که آیه‌ای خواستند تا نشانه‌ای شود برای اینکه همه آن را به عنوان یک اتفاق الهی ببینند. نشانه‌اش هم این بود که ایشان سه روز نمی‌توانستند صحبت کنند مگر به صورت اشاره. خدا به ایشان «ذکر بسیار» و «تسبیح در هر شب و صبح» را عطا کرد.

- ذکر: حقایقی است که بر فرد آشکار می‌شود.

- تسبیح: حرکتی که بر اساس حقایق به سمت کمال انجام می‌شود. حرکت به سمت کمال و دوری از نقص تسبیح است.

- نکته: طلب آیه کردن وجوه مختلف دارد:

۱- گاهی فرد از باب انکار طلب آیه می‌کند که نوعاً باطل است و خطرناک.

۲- گاهی به خاطر حصول یقین طلب آیه صورت می‌گیرد، مانند کاری که حواریون انجام می‌دهند.

۳- گاهی فرد برای اطمینان قلبی طلب آیه می‌کند، مانند طلب آیه‌ای که حضرت ابراهیم (ع) انجام می‌دهند. (لیطمئن قلبی) در این حالت، آیه دلالت‌دهنده به چگونگی‌هاست. این حالت ایراد ندارد زیرا در توانستن خدا شک ندارد بلکه می‌خواهد فرآیند را مشاهده کند.

- آیه‌ای که حضرت زکریا (ع) درخواست می‌کنند از جنس نوع سوم است.

- حضرت علامه آیات ۴۲ تا ۶۰ را یک دسته در نظر گرفته‌اند:

آیات ۴۲ تا ۶۰:

وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (۴۲)

و هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را برگزید و پاکیزه داشت و تو را بر زنان جهان برتری داد.

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (۴۳)

ای مریم! مطیع پروردگار خود باش و سجده کن و همراه راکعان رکوع نما.

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُتْلُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْتُمُ مَرْيَمَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۴۴)

این از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم، و آن دم که آنها قلم‌های قرعه خود را می‌افکندند تا کدامشان سرپرستی مریم را به عهده گیرد، تو پیش آنها نبود، و آن دم که با یکدیگر مشاجره می‌کردند نزدشان نبود.

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَ جِهَاً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُنْقَرِبِينَ (۴۵)

آن‌گاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را به کلمه‌ای از جانب خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می‌دهد که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان است.

وَيَكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ (٤٦)

و در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن می گوید و از صالحان است.

قَالَتْ رَبِّ أُنَّى يُكُونُ لِي وَكَذَلِكَ وَمَا يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَلَا حِكْمَةٌ وَلَا تَوْرَةٌ وَلَا أُبْحِثُ فِيهَا (٤٧)

مریم گفت: پروردگارا! چگونه مرا فرزندی باشد حال آن که دست بشری به من نرسیده است؟ فرمود: این چنین [است که] خدا آنچه بخواهد می آفریند، و چون کاری را اراده کند، فقط به آن می گوید: باش، پس موجود می شود.

و يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ (٤٨)

و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد.

و رَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ الطَّيْرَ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُخِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُتْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (٤٩)

و او را به عنوان پیامبری به سوی بنی اسرائیل می فرستد که [می گوید]: با معجزه از پروردگارتان سوی شما آمده‌ام من از گل برای شما چیزی به شکل پرند می سازم و در آن می دمم و آن به اذن خدا پرنده‌ای می شود، و به اذن خداوند کور مادرزاد و پیس را شفا می دهم و مردگان را زنده می کنم، و شما را از آنچه می خورید و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم. اگر اهل ایمان باشید، مسلماً در این امر برایتان نشانه‌ای [از حقیقت] است.

وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَحْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (٥٠)

و تورات را که پیش از من نازل شده تصدیق می کنم و [آمده‌ام] تا برخی چیزها را که بر شما حرام شده برایتان حلال کنم، و از سوی پروردگارتان برای شما معجزه‌ای آورده‌ام، پس از خدا بترسید و از من فرمان برید.

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (٥١)

به راستی خدای یکتا پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که راه درست همین است.

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِجُونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (٥٢)

پس وقتی عیسی به کفر آنها پی برد، گفت: یاوران من در راه خدا چه کسانیند؟

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ أَتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتَنَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (٥٣)

پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی کردیم پس نام ما را در زمره‌ی شاهدان بنویس.

وَ مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (٥٤)

آنها مکر کردند و خدا هم [در پاسخ آنها] مکر در میان آورد و خدا ماهرترین مکر کنندگان است.

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ اذْهَبْ فِي السَّمَاءِ بِالسَّحَابِ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ الَّذِي كَفَرْنَا وَ نَحْنُ الْمُتَلَكِّمُونَ (٥٥)

آن‌گاه که خدا فرمود: ای عیسی! من تو را برگرفته و به سوی خود بالا می برم و تو را از [آلودگی] کافران پاک می سازم و پیروان تو را تا روز قیامت فوق کافران قرار می دهم، سپس بازگشت شما به سوی من است، پس در آنچه بر سر آن اختلاف داشتید در میانتان داوری می کنم.

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعْدَبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (٥٦)

اما کسانی که کافر شدند، آنها را در دنیا و آخرت به عذابی سخت دچار می سازم و هیچ یآوری نخواهند داشت.

وَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (٥٧)

ولی کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند اجرشان را به تمامی بدهد و خدا ستمکاران را دوست نمی دارد.

ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ (٥٨)

اینها که بر تو می خوانیم از آیه‌ها و اندرز و حکمت آمیز است.

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (٥٩)

حکایت عیسی نزد خدا چون حکایت آدم است که او را از خاک آفرید سپس به او گفت: باش، پس وجود یافت.

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (٦٠)

حق [همین است که] از جانب پروردگار توست. پس، از تردید کنندگان مباش.

– آیه ٤٢: عبارت «اصطفا» بسیار عظیم و عجیب است در قرآن. «فضلنا» یعنی فضیلتی اعم از مادی یا معنوی. اما اصطفا کاملاً معنوی است. عبارت اصطفا در قرآن فقط برای انبیاء (ع) به کار رفته است. در این آیه درباره حضرت مریم (س) اصطفا به کار رفته است.

یعنی ایشان جزء اصطفا شده‌های عالم هستند. برگزیده‌ای که از شدت صفا و خلوص برگزیده شده است. (وَ اصْطَفَاكَ عَلٰی نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)

- آیه ۴۳: عبارت‌های این آیه نیز بسیار خاص درباره بعضی از انبیاء دیگر (ع) به کار رفته است.
- یا مَرِيْمُ اَتَتْهُ لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِيْنَ: «قنوت» نهایت خضوع و بندگی است. «واسجدی» برای من سجده کن و «الرکعی مع الراکعین»، ضمناً همراه رکوع کنندگان، رکوع کن.

- قنوت (التحقیق): مطلق خضوع را وقتی با عمل همراه است «قنوت» گویند. یعنی عبادت از سر خضوعش، قنوت نامیده می‌شود.
- در «خضوع» جنبه، تسلیم مطرح است اما وقتی قنوت گفته می‌شود، تسلیم همراه با بروز عملی‌اش است.
- رکوع (التحقیق): خضوع متوسط

- سجده (التحقیق): کمال و نهایت خضوع را گویند وقتی هیچ اثری از منیت و انانیت باقی نماند.
- منظور از خضوع متوسط که در رکوع گفته شد، این است که در سجده اصلاً غیر دیده نمی‌شود و در سجده کاری نمی‌توان انجام داد، اما در رکوع غیر دیده می‌شود، لذا امیرالمؤمنین در سجده نمی‌توانند انگشترشان را به فقرا دهند ولی در رکوع می‌توانند.
- رکوع، سجود، قنوت و ... مراتب عبودیت است و ترتیب‌ها به خاطر تحقق موضوعی است که در آیات بیان می‌شود. وقتی ابتدا قنوت آورده می‌شود یعنی این خضوع با جلوه‌اش مد نظرش است.

- آیه ۴۴: بر سر کفالت حضرت مریم (س) بین بزرگان دعوا شد زیرا حضرت مریم (س) جایگاه بسیار ویژه‌ای داشتند. برای کفالت حضرت مریم (س)، کار را به قرعه کشاندند اما در قرعه هم کفالت به نام حضرت زکریا (ع) افتاد.
- نکته مهمی هم که در این آیه ذکر کرده این است که خدا می‌گوید: «این [حقایق] از خبرهای غیبی است که به تو وحی می‌کنیم» یعنی شما آن زمان نبودید، لذا این ماجرای حضرت مریم (س) برگزیده شده است (اصطفا)، تا برای ما مطرح شود.

- آیه ۴۵: حضرت عیسی (ع) را در این آیه از مقربین می‌داند. وصف مقربین در سوره مبارکه واقعه آمده است. این جایگاه بسیار بالاست و آیا می‌شود کسی که نازل کننده چنین جایگاهی برای فرزندش (حضرت عیسی (ع)) بوده است، خودش در این جایگاه نباشد؟ یعنی حضرت مریم (س) نیز خودشان در این جایگاه‌ها نمی‌توان پذیرفت که حضرت مریم (س) در تولد حضرت عیسی (ع) دخل و تصرف نداشته باشند و صرفاً نقش یک سیم را داشته باشند که برق را منتقل می‌کنند. زیرا وحی از جنس برق و سیم نیست بلکه «وحی» سنخیت با انتقال‌دهنده می‌خواهد (این مطلب را می‌توان در نظرات حضرت علامه طباطبایی و آقای جوادی آملی در باب وحی در قرآن یافت) به همین دلیل وقتی برای حضرت مریم (س) وحی می‌شود و چنین اتفاقی برای حضرت می‌افتد و خدا حضرت عیسی (ع) را در رحم ایشان قرار می‌دهد نشان می‌دهد، حضرت مریم (س) نیز خودشان از جنس وحی هستند. لذا جزء ویژگی‌های حضرت مریم (س) این است که ملائکه با او تکلم می‌کنند. سپس ملائکه بر حضرت نازل می‌شوند و برای او بشارت می‌آورند و آنگاه اتفاقی از جنس نفخه روح الهی به طور خاص برای او می‌افتد که قطعاً جزء ویژگی‌های حضرت مریم (س) است و این گونه نیست که فکر کنیم برای هر انسان دیگری هم می‌تواند اتفاق بیفتد البته به معنای محال بودن این اتفاق نیست بلکه امکان تحقق دارد به شرط اینکه آن فرد نیز به اندازه حضرت مریم (س) پاک بوده و طهارت داشته باشد.

- آیه ۴۶: حضرت عیسی (ع) تکلم می‌کند با مردم در مهد و در پیری سخن می‌گوید و از صالحان است.
- نکته: «وکھلاً» حال است یعنی منظور از سخن گفتن در پیری این است که حضرت عیسی (ع) در حالی در مهد سخن می‌گویند که چون پیری عمیق و بلند سخن می‌گوید.»

- آیه ۴۷: حضرت مریم (س) سئوالی شبیه سئوال حضرت ابراهیم (ع) انجام داد.
- فَاِذَا مَا يَقُوْلُ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ: حضرت مریم (س) محل کن فیکون خداوند قرار گرفته است.

- آیات ۴۸ و ۴۹: چنین مادری، که خودش مادری به آن بزرگی داشته است، چنین پسری مانند حضرت عیسی (ع) نصیبش می‌شود.
- آیه ۵۰: او آمده است تا دوباره تورات را احیاء کند نه اینکه تورات را از میان بردارد همان‌طور که اسلام آمده بود تا تورات و انجیل را دوباره احیاء کند. شرط ایمان آوردن هم تقوا و تبعیت از خداست.

- آیه ۵۱: ربّ ما و شما یکی است و آن هم خداست پس او را بپرستید که این صراط مستقیم است.
- پاسخ سئوالی که در ابتدای جلسه مطرح شد: علت اتفاق افتادن ماجرای اصطفای کردن یک عده در عالم به این موضوع برمی‌گردد: همان‌گونه که در قرآن بعضی از آیات متشابه هستند و بعضی از آیات محکم و باید متشابه را به محکم ارجاع داد، در عالم نیز عده‌ای از آدم‌ها محکم هستند و عده‌ای متشابه و حال برای اینکه بتوانیم در متشابه زندگی کنیم باید آدم‌های متشابه را به آدم‌های محکم ارجاع دهیم تا حق را تشخیص دهیم. آدم‌های محکم در عالم همان‌ها هستند که اصطفای شده‌اند. هر کسی را خدا اصطفای کرده است، بین آدم‌ها آنها محکم هستند. حضرت مریم (س) نیز جزء آدم‌های محکم در عالم است لذا ایشان «آیه» می‌باشند یعنی در بین این همه متشابهات و ... باید به چنین محکمی ارجاع دهیم برای اینکه حق را بشناسیم. مثلاً برای شناخت مقام زن در عالم باید به جای پرکردن پرسش‌نامه در بین زن‌های عالم، این متشابه را به حضرت مریم (س) ارجاع دهیم که محکم زنان عالم است. لذا این آیات ادامه آیات ابتدایی سوره هستند یعنی انبیاء و اصطفای شدگان عالم را خدا به عنوان محکّات عالم معرفی می‌کند. پس ما باید خودمان را با آنها بسنجیم، لذا محکم عالم در مورد زن چنین است: زن کیست؟

❖ زن کسی است که می‌تواند جبرئیل را نازل کند.

❖ زن کسی است که می‌تواند حتی بدون شوهر بچه‌دار شود.

❖ زن کسی است که می‌تواند به اوج طهارت در عالم برسد.

❖ زن کسی است که می‌تواند اصطفای شده از جانب خدا قرار گیرد.

- نکته: آسیب‌شناسی دربارهٔ مقام زن نیز باید از همین راه صورت گیرد یعنی تمام صفات مثبت که از این راه به دست آمده‌اند را برعکس کنیم لذا در آسیب‌شناسی از این طریق به نظامی می‌رسیم که اصلاً با آسیب‌شناسی‌های از طرق دیگر قابل مقایسه نیست.
- حضرت علی (ع) در صحیفهٔ علویه این کار را دربارهٔ استغفار انجام داده‌اند. در صحیفهٔ علویه دعای «۷۰ استغفار» وجود دارد که حضرت از روی نقاطی که عکس حقیقت استغفار هستند، ۷۰ محل آسیب بشریت را اسم برده‌اند. حضرت چون نقطهٔ کمال را می‌شناختند، از روی کمال، هر آنچه که باعث می‌شد تا انسان به کمال نرسد را در استخراج کرده‌اند. بنابراین برای آسیب‌شناسی هم مطالعهٔ میدانی مسیر درستی نیست. یعنی مطالعهٔ میدانی نه در اثبات کمال و نه در آسیب‌ها، مسیر درستی نیست بلکه باید به محکّات مراجعه کرد.

- انشاءالله خدا به ما توفیق دهد به برکت ایام نوروز که «حول حالنا الی احسن الحال» است، زندگی ما فقط بر اساس محکّات باشد.
- انشاءالله متشابهی در زندگیمان نباشد مگر آنکه آن را به محکمی ارجاع دهیم و به آن عمل کنیم.
- انشاءالله نسبت به انسان‌های محکم عالم هستی که انبیاء و اولیای الهی هستند و حضرت صدیقه طاهره (س) که حجّت بر حجج هستند یعنی احکام احکام‌ها هستند انس پیدا کنیم و مهم‌تر اینکه این انس باعث شود آنها را محکم زندگی در نظر بگیریم.
- انشاءالله تعاریف بنیادی زندگیمان را بر اساس تعاریف بنیادی محکّات عالم پایه‌گذاری کنیم. اگر چنین اتفاقی بیفتد افق نگاه انسان نسبت به خودش اصلاح می‌شود و مسیر رسیدن به کمال در انسان درست خواهد شد. **به حرمت صلوات بر محمد و آل محمد**

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین